

دریایی ایران به معنای حرکت و تلاش چند استان ساحلی نیست، بلکه به معنای دریازیری تمام ملت ایران است. حرکت از خشکی به سمت دریا زمانی معنا پیدا می کند که مردم احساس دریایی بودن کنند و کشور خود را دریایی بدانند. این توسعه در سطح کافه مردم ایران، نیاز به فرهنگ سازی دارد و فرهنگ سازی نیاز به بهانه‌های بزرگ و مقدسی مانند قهرمانان ملی دارد. این است که ما به امثال بایندر‌ها نیازمندیم. ما به وجود آن‌ها مفتخریم و دست نیاز به سوی آن‌ها دراز می کنیم. ما باید با برنامه و تفکر فرهنگی غنی و برنامه‌های مستمر و خلاقانه از گنج وجودی بایندر‌ها استفاده کنیم تا مسیر آینده را مطمئن‌تر و روشن‌تر از همیشه پیش روی خود و ملت خود باز کنیم.

اکرام ملی بایندر ضرورت است

در راستای توسعه همه‌جانبه دریایی ایران و نیز اوج افتخار و امید به دریا، توجه به «بایندر به عنوان یک قهرمان ملی» لازم و ضروری است. بایندر می تواند یکی از نمادهای بزرگ دریایی و گرایش به دریا باشد. بایندر می تواند یک الگو برای خلق حماسه، یک معنا برای توجه به دریا و یک فرصت برای گرایش ذهنی مردم ایران به سمت دریا باشد. این است که نگاه ملی به بایندر، نگاه معناداری است. توجه به بایندر در وسعت ملی -نه محدود به استان هرمزگان و گیلان- امری ارزشمند است. این نگاه ما را در شاکله ملی معنا پیدا می کند که بخش دریایی کشور صاحب پرچمدار فرهنگی شود و یک رکن فرهنگی خلق شود تا بتواند در سطح ملی و فراملی حرکت فرهنگی دریایی را آغاز کند.

اکنون، یاد و خاطره بایندر در بخش محدودی از جامعه، در بخش دریایی -آن هم به صورت بخشی و محدود- زنده است. این خوب است اما کافی نیست. بایندر به تمام ملت ایران تعلق دارد و در سالگرد شهادت او و برادرش، همه رسانه‌ها در سطح ملی باید حرکت کنند. همه مردم باید یادش را گرمی بدارند و این گرامیداشت یاد و خاطره، مانند ریسمانی معنوی همه ایرانیان را به سمت دریا بکشاند.

بایندر در حالی با نیروی دریایی انگلستان سینه به سینه شد که دستور حاکمان وقت مبنی بر عقب‌نشینی و فرار بود که اگر بایندر دستور حکومت مرکزی را اجرا می کرد، اکنون نشانی از بندرعباس و هرمزگان در نقشه ایران نبود. روح سلحشور او بود که دشمن را به زانو در آورد. در حالی که دشمن تا بن دندان مسلح و با تجهیزات روز و قدرت نظامی بسیار زیاد بود و بایندر با جمعی سلحشور با کشتی های معمولی و سلاح های ابتدایی. این رزم نابرابر بود، اما در نهایت با شهادت و رشادت بایندر‌ها و سربازان سلحشورش به نفع ایران تمام شد. آیا عزت و شرافت بالاتر از این؟ آیا این حس قدرت و عظمت نباید به ایرانیان منتقل شود؟ آیا همه ایرانیان نباید به احترام بایندر بایستند و سلام نظامی بدهند؟ آیا به یاد بایندر‌ها نباید به سمت دریاهای جنوب و شمال ایستاده و به فرزند خلف ایران‌زمین ادای احترام کنند؟



چشم فرهنگ دریایی ایران کوراست

بخش فرهنگ دریایی ایران متولسی ندارد. همه امور فرهنگی پراکنده و سلیقه‌ای است. هر کس از طن خود یار این فرهنگ می‌افتد و پال‌هسای پرواز فرهنگی کنار هم قرار ندارند. این نقص بزرگ، باعث شده است که دریا و توسعه دریایی کمتر دیده شود. علاوه‌بر اینکه یاد قهرمانان بزرگ دریایی از گذشته تا ۸۸سال جنگ تحمیلی و بعد از آن، گم می‌شود؛ تمامی فرهنگ دریایی ایران مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. این در حالی است که می‌دانیم توجه به دریا، نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. توسعه دریایی بدون فرهنگ نمی‌شود، که نمی‌شود که نمی‌شود. با وجود این، نگاه هماهنگ و دستان منظم برای کار فرهنگی برای دریاهای ایران وجود ندارد تا همچنان توطئه چندین‌ساله استعمار و استعمار کارایی داشته باشد که ایرانیان تصور کنند کشوری خشک هستند نه دریایی. قهرمانان ملی در حوزه دریا می‌توانند کمک کنند تا نگاه و احساس مردم ایران به سمت دریا برگردد؛ دریاگریزی از بین برود و توسعه دریایی تبدیل شود به یک خواست و مطالبه عمومی.

نقش آفرینی بایندر

شهید بایندر و برادر شهیدش، در مقطعی از زمان، نقش بزرگی ایفا کردند و با تقدیم جان به وطن، جاودانه شدند. این دو بزرگمرد در شمال و جنوب همچنان می‌توانند نقش آفرینی کنند؛ به شرطی که اهالی و فعالان دریایی کشور، وجاغت و سبقه ملی و سراسری به آن‌ها بدهند و هر سال با گرامیداشت ملی یاد و خاطره آن‌ها، ایرانیان را با دریا آشنی دهند. وجه قهرمانی و دلآوری بایندر‌ها – و امثال بایندر‌ها در حماسه پیکان و...- همه باید مورد احترام و اکرام ملی قرار گیرد. ما به وجود این قهرمانان مفتخریم و اینان هستند که همچنان می‌توانند دست و دل ما را بگیرند و بیرند به سمت دریا و ما را هم دریایی کنند.

توسعه ملی دریایی ایران

توسعه دریامحور، زمانی معنا می‌گیرد که احساس و نگاه تمام ملت ایران به آن سمت متمایل شود. توسعه دریایی ایران در خلاء و بدون وجود تمام مردم ایران غیرممکن است. توسعه



افسر به مردم اعتراض کرد، مسافران خشمگین‌تر شده تا جایی که آن افسر را از اتوبوس پیاده کردند، اما در همان زمان یک نفر از جایش بلند شد و از من خواست که آنجا بنشینم» خسرو معتمد در این مورد در جلد چهارم از کتاب «دریانوردی و نیروی دریایی ایران در گذر تاریخ» ذکر کرد که «البته آن افسر نیروی زمینی گناه و کوتاهی‌ای در شکست ارتش ایران در وقایع سوم شهریور نداشت و گناه با فرماندهان کلا و رئیس ستاد سرلشکر عز یزاله ضرغامی بود که بنایه سخنرانی سرتیپ علی رزم‌آرا، فرمانده لشکریک تهران در ماه‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ یک میزبانوبیس بود و اطلاعاتی از امور و فنون ریاست ستاد ارتش نداشت» (معتمد، ۱۴۰۳: به نقل از انوشیروانی، ۱۳۷۸: ۳۷ و ۳۸).

اثرگذاری رشادت بایندر روی مردم

پس از شهادت غلامعلی بایندر و همرزمانش، تعدادی از مردم ایران، فرزندان‌شان را «بایندر» نام‌گذاری کردند. این رخداد نشان‌دهنده میزبان بالای اثرگذاری اجتماعی مقاومت کارکنان نیروی دریایی ارتش در برابر بیگانگان؛ به‌ویژه روی مردم بود. پیش از این نیز در این کتاب مطرح شد که تعدادی از مدارس، خیابان‌ها، میادین، معابر و حتی تجهیزات نظامی به نام شهیدان جنگ جهانی دوم همچون غلامعلی بایندر، پایداله بایندر، نقدی، کهنومویی و ... نام‌گذاری شده است. همچنین معابری نیز به نام سایر شهدای جنگ جهانی دوم نظیر ژاندارم شهید سر جوخه ملک (مصیب) محمدی، شهید محمد راثی هاشمی، شهید عبدالله شهر یاری، شهید حسینعلی صدآفرین نام‌گذاری شده است.

بایندر قهرمان ملی دریایی ایران، «سرآمد» تحلیل می‌کند؛

تصویرسازی برای یک قهرمان ملی دریاهای ایران

شهید بایندر کجای فرهنگ ایرانیان است؟

بدبختی است». جوامع در طول تاریخ، حتی آن جوامعی که ریشه تاریخی کمتری دارند، برای ساختن چهره‌های قهرمان در سطح ملی تلاش و سرما به‌گذاری فراوانی می‌کنند، زیرا می‌دانند قهرمانان ملی، به معنای اعتمادبه‌نفس ملی هستند؛ نماد بزرگی و مجد و عظمت. این در حالی است که برخی جوامع نسبت به قهرمانان خود بی تفاوت می‌شوند و این خطری بزرگ برای یک جامعه است و از مواردی است که یک جامعه را به سوی فقررا پیش می‌برد.

قهرمانان ایران‌زمین



کشور دیرینه ایران‌زمین، به عنوان اولین تمدن بشری و تاریخی بسیار طولانی، دارای قهرمانان بی‌شماری است. جریان‌ها و حوادث باعث بسروز و ظهور این قهرمانان شده و از نظر کمی و کیفی سرآمد روزگار هستند و ایرانیان مفتخر به داشتن



با نیروهای انگلیسی به شهادت رسید. به گزارش روزنامه اقتصاد سرآمد، شاید مهم‌ترین سخن، همان است که رومن رولان-نویسنده شهر فرانسوی – گفت: «جامعه‌ای که در ساختن یک قهرمان شرکت نکند، جامعه

سرآمد بررسی کرد؛

ابعادجامعه‌شناختی عملکرد نیروی دریایی در جنگ جهانی دوم

مقاومت شهید بایندر چطور سرمایه اجتماعی

نیروی دریایی را افزایش داد؟

اجتماعی» در زمان اشغال ایران نشانه‌های آشکار ضعف «سرمایه اجتماعی» بود. با این اوصاف نمی‌توان حاکمیت را دارای «محبوبیت» تلقی کرد. (جهانفر، ۱۴۰۴).

شاخص‌های اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی

اندازه‌گیری میزان «سرمایه اجتماعی» در جامعه‌شناسی، وابسته به شناخت میزان شاخص‌های «اعتماد»، «مشارکت»، «همکاری»، «همیاری»، «هم‌افزایی» و... است. «اعتماد» در دو سطح شخصی و عام با تعمیم‌یافته قابل‌بررسی است. البته اثرگذاری اعتماد عام در گسترش سرمایه اجتماعی بیش از اعتماد شخصی است. در مورد شاخص مشارکت اجتماعی باید ویژگی‌های عقلانی بودن –یعنی احساسی نباشد- استمرار و در نهایت سازمان‌یافتگی مورد توجه قرار گیرد. در خصوص شاخص همیاری باید به این نکته توجه شود که همیاری به مفهوم کمک کردن یا ارائه خدمت به شخص، بدون شناخت و توقع از وی است. این در حالی است که «همکاری» در مورد اشخاص مورد شناخت انجام می‌شود. بررسی وضعیت اجتماعی ایران در سال‌های منتهی به ۱۳۳۰ هجری شمسی، نشان‌دهنده این واقعیت است که شاخص‌های سرمایه اجتماعی به دلایل مختلف به شدت افول یافته بود.

اگرچه در مورد عوامل کاهش سرمایه اجتماعی در هر دوره تاریخی می‌توان به مواردی همچون شرایط نامناسب اقتصادی، فقر، نابرابری و تشدید آسیب‌های اجتماعی، ضعف در نظام حکمروایی اشاره کرد (میرقاسمی، ۱۴۰۱)، اما نمی‌توان از نقش استبداد و بی‌توجهی به نظرات مردم غفلت کرد. نظام دیکتاتوری خشن و سختگیر رضاشاه، به‌ویژه پلیس سیاسی تندرو سرپاس مختاری با اقدامات ابدایی خود منجر به ناخشنودی مردم شده بود (معتمد، ۱۴۰۳).

واقعیت این است که «شکست»، سرنوشت همه حکومت‌هایی است که به «سرمایه اجتماعی» بی‌توجه و بی‌اعتنا باشند. پهلوی اول نیز از این قاعده مستثنا نیست. مقاومت کمتر مردم ایران به نسبت جنگ جهانی اول در برابر متجاوزان بیگانه ناشی از کاهش شدید سرمایه اجتماعی است. البته پس از اشغال ایران توسط بیگانگان، مردم ایران متوجه سختی‌ها و مصائب اشغال ایران توسط بیگانگان شدند. شاید مشاهده جسارت و مزاحمت‌های اشغالگران نسبت به